با ایران توشه
یک قدم جلوتر
باش!



ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

ایران توشه، مرجع دانلود فایل های کمک آموزشی دانش آموزان و کنکوری ها

همه چیز
برای موفقیت
تو!

- دانلود رایگان آزمون های آزمایشی قلمچی، خیلی سبز، گاج و ...
- دانلود رایگان گام به گام تمامی دروس
- دانلود رایگان نمونه سوالات امتحانی (نوبت اول و دوم) و امتحانات نهایی
- دانلود رایگان جزوه های کمک آموزشی و شب امتحانی

کافیست هر فایلی که نیاز دارید را در گوگل به این صورت جستجو کنید:

فایل مورد نیاز + ایران توشه

مثال:

دانلود گام به گام دوازدهم تجربی ایران توشه



irantooshe.ir

t.me/irantooshe

گام به گام نگارش نهم ـ درس ششم

عنوان درس: قالبی برای نوشتن برگزینیم

از صفحهٔ ۷۱ تا صفحهٔ ۸۴ کتاب

فهرست پرسش‌ها

۱ تشخیص قالب نوشته ص ۷۹

۲ نوشتن دربارهٔ یک موضوع در یک قالب نوشتاری ص ۸۱

۳ پرهیز از دو واژهٔ هم‌معنا ص ۸۳

۴ بازآفرینی مَثَل «فضول را به جهنم بردند» ص ۸۴

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

فعالیت نگارشی ۱ — صفحهٔ ۷۹ کتاب

تشخیص قالب نوشته

پرسش:

- نوشته‌های زیر، بخشی از متن اصلی یک نوشته‌اند؛ آن‌ها را بخوانید و قالب هر کدام را مشخص کنید.

پاسخ:

قالب نوشته

نوشته	قالب	دلیل
۱ (سومین روز نمایشگاه کتاب)	گزارش	رویدادها و دیده‌ها و شنیده‌ها از نمایشگاه، همراه با گفت‌وگو با بازدیدکنندگان بیان شده است.
۲ (عزیز من، ...)	نامه (غیررسمی)	خطاب مستقیم به یک شخص و لحن صمیمی و عاطفی دارد.
۳ (جایی که کوه بوسه می‌زند بر ماه)	داستان	مکان و شخصیت و فضای داستانی («در سرزمینی بسیار دور ...») دارد.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

فعالیت نگارشی ۲ — صفحهٔ ۸۱ کتاب

نوشتن دربارهٔ یک موضوع در یک قالب نوشتاری

پرسش:

- موضوعی را انتخاب کنید و در یکی از قالب‌های نوشتاری بنویسید.
- کودکی من ـ یک روز از کلاس ـ جلسهٔ امتحان ـ هدف زندگی ـ نوجوانی ـ عاقبت فرار از مدرسه ـ پرواز بدون بال

پاسخ:

موضوع: کودکی من (قالب: خاطره)

کودک که بودم، هر تابستان به روستای مادربزرگم می‌رفتیم. صبح‌ها با صدای خروس بیدار می‌شدم و پابرهنه روی علف‌های خیس می‌دویدم. مادربزرگ کنار تنور می‌نشست و نان داغ را با پنیر و گردو به من می‌داد. یک روز در کوچه‌باغ گم شدم و تا غروب راه خانه را پیدا نکردم. وقتی از دور چراغ‌های روستا را دیدم و مادربزرگ را که نگران در حیاط ایستاده بود، دویدم و در آغوشش گریه کردم. هنوز هم طعم آن نان و گرمای آغوشش را فراموش نکرده‌ام.

درست‌نویسی

صفحهٔ ۸۳ کتاب

پرهیز از دو واژهٔ هم‌معنا

پرسش:

- جمله‌های زیر را ویرایش کنید.
- تخته وایت‌برد را برای معلم آماده کردم.
- ناهار ظهر را که خوردیم و بار و بندیل را جمع کردیم و راه افتادیم.

پاسخ:

- تخته سفید را برای معلم آماده کردم. (یا: وایت‌برد را ...)
- ناهار را که خوردیم و بار و بنه را جمع کردیم، راه افتادیم.

در جملهٔ اول «تخته» و «برد» هم‌معنا هستند و باید یکی حذف شود (واژهٔ فارسی را نگه می‌داریم). در جملهٔ دوم «ظهر» زائد است و «و» پیش از «راه افتادیم» جمله را ناقص کرده است.

این فایل توسط سایت ایران‌توشه تهیه شده است.

مَثَل‌نویسی

صفحهٔ ۸۴ کتاب

بازآفرینی مَثَل «فضول را به جهنم بردند»

پرسش:

- مَثَل زیر را بازآفرینی کنید.
- «فضول را به جهنم بردند، گفت: هیزمش تر است.»

پاسخ:

روزی مردی کنجکاو که همیشه در کار دیگران سرک می‌کشید، از دنیا رفت. فرشته‌ها او را به جهنم بردند. هنوز در دروازه نرسیده بود که دید دود غلیظی بلند است. به‌جای ترسیدن، سر کشید و پرسید: «آتش‌تان چرا این‌قدر دود می‌کند؟ این هیزم‌ها خشک نیستند؟» نگهبان خندید و گفت: «ما هنوز او را نبرده بودیم، تو را برده‌اند و تو باز هم فضولی!» از آن روز، مردم دربارهٔ آدم‌های فضول می‌گویند: «فضول را به جهنم بردند، گفت: هیزمش تر است.» یعنی فضول در هر جا باشد، دست از دخالت در کار دیگران برنمی‌دارد.

این جواب ممکن است دقیق نباشد.